دو عنکبوت کوچکِ کنار پنجره...

نویسنده: دکتر پرویز آرزو

تاریخ انتشار: 16 Khordad 2585 باستانی برابر با June 6, 2026 میلادی



از دفتر «دو هستی من»

نشسته‌ایم
کنار یادهای دور، ناصبور
دو عنکبوت کوچکِ کنار پنجره
به تار بسته‌اند شیشه را
که سد کنند
فرار لحظه‌های عاشقانه را
زمان
طنابِ دار می‌شود
دقیقه‌ها به قتل می‌رسند
و روزهای زندگی
چنان که قطره‌های آب می‌روند لای ریگ‌ها
پرنده روی شاخه زرد می‌شود

بهار

نوشته یادهای خویش را

به روی برگ‌های ریخته

خیال می‌کنم

که گورِ لحظه‌های مرده می‌شوم

خزان گلوی باغ را گرفته است

نرو به روی برگ‌های ریخته...

نشسته‌ایم

کنار یادهای دور، ناصبور

تو را به جانِ جام‌های تشنهٔ نشسته روی میز

تو را به جان شیشه‌ها قسم

که سنگِ خواب‌های من نشو

کنار یادهای من بمان...

ببین!

سپیده می‌چکد ز سقف خانه روی ما

ببین!

دو عنکبوتِ کوچکِ کنار پنجره

چگونه پیر می‌شوند...